

متن پرسش

سلام علیکم استاد: با توجه به اینکه دلایل فراوان و مستدلی در رابطه با وحدت شخصی وجود در آثار بزرگان بیان شده (از جمله آن براهین: الف. وجود مساوق وجوب بالذات است. ب. وجوب بالذات مساوق وحدت است. وجود مساوق وحدت است) چطور بزرگانی مانند آیت الله مصباح و علامه جعفری آن را قبول ندارند و پذیرش آن را مستلزم نادیده گرفتن و انکار بدیهیات می دانند؟ آیا آنان نسبت به این براهین اطلاعی نداشتند یا اشکالات منطقی به براهین دارند؟ اشکالات چیست؟ ممنونم.

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: شاید تصور آن‌هایی که وحدت شخصی وجود را نپذیرفتند آن باشد که پذیرفتن آن نفی مخلوقیت مخلوق است. در حالی که این با بحث ایجاد اعیان ثابته و تشکیکی بودن ظهور وجود حل می‌شود. موفق باشید